

# نقش وقف در محافظت از میراث عمرانی و رشد پایدار\*

دکتر م. سعیدونی - ترجمه: حسین علیقیان

## چکیده

پس از گذشت دهه‌ها سال از انتشار نظریه هاوکوشش‌های مربوط به محافظت از میراث معماری و عمرانی، امروز برای محققان و معماران شهری، مساله جدیدی مطرح شده است و آن حفاظت از عناصر سازنده این میراث و میزان توانمندی این عناصر در پیشبرد برنامه‌های جدید برآمده از بطن آن میراث می‌باشد. این موضوع، منجر به بروز مساله تجدید فکر و تجدید روش‌های محافظت از میراث معماری و پیشرفت آن میراث شده است.

در این زمینه وقف از وسایل تجدید نظر در سیاست‌های حفاظتی میراث معماری و عمرانی در کشورهای عربی و اسلامی به شمار می‌آید. میراثی که برآمده از بطن جامعه بوده و پیشبرد قابلیت‌های آن و بهبود محیط معماری آن در میزان مشارکت در آن تاثیرگذار است. وقف همچنین طرحی از طرح‌های تحقق یافته رشد پایدار را با دو ویژگی استمرار و چند نقشی بودن، شکل میدهد. املاک وقفی گاهی به عنوان سرمایه مالی لازم برای محافظت از میراث معماری به کار می‌آید. چنانکه تعداد زیادی از آثار تراثی وابسته به شرایطی هستند که وقف برای صیانت از آنها و برای تداوم خدمات ارائه شده به جامعه مهیا کرده است. علاوه بر این وقف در بیش از هر تمدنی، پیوندی محکم با پیشرفت عمرانی در شهرهای اسلامی و تمدن اسلامی داشته است و در صیانت از آثار تاریخی و معماری و عمرانی آنها سهیم بوده است. چنانکه پژوهش‌های وقفی و فرهنگی انجام یافته فعلی، که بر بخشی از آنها در این مقاله درنگ می‌کنیم این موضوع را به اثبات رسانیده‌اند.

این گفتار می‌کوشد که پیوند وقف با میراث معماری و عمرانی و میزان ارتباط ارزش‌های وقفی با ارزش‌های معماری و عمرانی را آشکار سازد. در همین راستا پیشنهادهای درباره پاره‌ای از روش‌های احیای نقش وقف به عنوان وسیله‌ای برای صیانت از میراث معماری و عمرانی از حیث ایجاد طرح‌های حقوقی، اصلاحی و اقتصادی تجدد خواهانه در این نقش ارائه می‌دهد. این مقاله همچنین از طریق مثال‌های زنده و با رجوع به وضعیت کشور

الجزایر، راه‌های عملی گنجاندن ابزار وقف در طرح‌های پیشرفته و مدرن عمرانی برمی‌رسد و نقش پنهان و امکانی وقف را در صیانت از آثار فرهنگی و افزایش خدمات و سرویس‌های عمومی و محافظت از فضاهای غیرمستعمل و فضاهای کاربردی و حمایت‌های پیشگیرانه ملکی و هر آنچه همساز با مقوله پیشرفت پایدار باشد را نظر می‌افکند...

## کلید واژگان:

وقف، پژوهش‌های وقفی، میراث معماری و عمرانی، برنامه ریزی عمرانی، پیشرفت عمرانی، پیشرفت پایدار، سنت، مدرن، مدرنیسم، الجزایر، وقف

## مقدمه:

### ۱. وقف، میراث و پیشرفت:

میراث امت و محافظ ویاری رسان آن میراث در آورده است. چنانکه اوقاف در جوهر خود (میراث) به مفهوم وسیع کلمه رادبردارد. تا بدانجا که بررسی مسئله میراث در کشورهای اسلامی به طور عام و میراث معماری و عمرانی آنها به طور خاص، بدون ورود به وقف در وهله اول به عنوان پدیده‌ای تاریخی و ریشه دار و در وهله دوم به اعتبار پدیده‌ای معاصر و مدرن برای به کارگیری خواستها و مطالبات جوامع نوین اسلامی، امکان پذیر نمی باشد. به ویژه در زمانی که شاهد انباشت سرمایه‌های کلان در بسیاری از دول عربی و اسلامی بوده و با کار بست وقف، این سرمایه‌ها به منابعی زنده و پویا

وقف املاک، سنتی دینی و کاری خیر است که بر مبادا صدقه جاریه‌ای که دین مبین اسلام مقرر نموده، قرار دارد. شروع صدقه جاریه جز با صیانت از وقف (که دوام، ن تضمین شده) محقق نمی گردد. مداومت در وقف بستگی به منع تصرف در عین موقوفه دارد. تصرف شامل: خرید و فروش، هبه، رهن و اجاره، امانت و به ارث سپاری (توریت) بوده حال آنکه سود حاصل از اوقاف و ثمره آن را میتوان در راه اعمال خیری که واقف انشاء نموده هزینه کرد<sup>(۱)</sup>. از این رو اوقاف را به مثابه ابزاری مؤثر در شکل‌گیری

برای نسل‌های آینده تبدیل می‌شوند.<sup>(۲)</sup> وقف داری مفاهیمی متعدد است که تلاقی آنها به ندرت در یک جامعه واحد رخ می‌دهد. وقف دران واحد دارای ارزش معنوی، دینی، تراثی و همبستگی بوده و پدیده‌ای جامعه‌شناختی و وسیله‌ای اقتصادی و فرهنگی به شمار می‌آید. وقف از دیدگاه تاریخی در حرکت بخشی جوامع اسلامی مطرح بوده و در امور مهم اجتماعی، اقتصادی و عمرانی تاثیر گذار و ابزارهای تحقق مصالح و امور عام المنفعه به شمار می‌آید<sup>(۳)</sup> ...

وقف علاوه بر آنکه ابزاری ملی برای انجام امور خیریه بوده است. مورد توجه حکومتها هم واقع شد و در همین راستا حاکمان به تاسیس ادارات اوقاف و از جمله تاسیس اوقاف ویژه خدمات متصوفه دست زدند که نمونه عمرانی آن در قرن چهارم به وجود آمد و همسان با گسترش تصوف و نیاز اهالی آن به مکانهای عبادتی و برآوردن نیازهای اولیه آنها فراگیر و به خانقاه معروف گردید. این پدیده در عهد مملوکی و

سپس در دوره‌ی عثمانی - به خصوص در بلاد شام و مصر - شهرت یافت.<sup>(۴)</sup> این الگو در مغرب (مراکش) سبکی مغایر یافته و به زوایا شناخته میشد این آثار عمرانی که به خانقاه رباط و زوایا (زاویه) نامیده می‌شد به مشابه وقف ترکیبی که شامل بخش‌های رفاهی مهم (مسجد خلوتگاه و مدرسه) و اماکن ضیافتی، حمام و مطبخ بوده مطرح بوده‌اند که اهداف اجتماعی - اقتصادی را دنبال میکردند شاید بهترین نمونه این دست، خانقاه سریاقوس است که سلطان ناصر بن محمد بن قلاوون (۱۳۲۵م) فضل اقامت در آن را داشته است.<sup>(۵)</sup>

جنبه فرهنگی و آموزشی وقف که نیاز به شرح و توضیح آن نیست مورد اشاره علامه ابن خلدون قرار گرفته است.<sup>(۶)</sup>

همچنین اگر اسناد وقفی حاوی راهبردهای تربیتی - آموزشی و شرایط مطلوب برای دست اندر کاران آموزش باشد در تعیین و تثبیت ارزشهای علمی موثر خواهد بود.<sup>(۷)</sup>

از آنجا که وقف همزمان پدیده‌ای تاریخی- مدرن است ضرورت دارد که توجه ما به آن در پیوندش با میراث خلاصه نگردد و نقش آن را در جامعه معاصر در زمینه مشارکت در صیانت از سرمایه‌ها و تحقق مصالح عمومی و طرحهای پیشرفت عمرانی در مفهوم شامل آن ملحوظ بداریم چنانکه پاره‌ای از تحقیقات جدید در سالهای اخیر نقش تاریخی وقف و نقش مدرن آن را به درستی تبیین نموده‌اند.<sup>(۸)</sup> به علاوه کارکرد معنوی وقف که خود از اعتقادات جامعه اسلامی نشأت یافته در حفاظت از ارزشهای اسلامی تاثیرگذار می‌باشد.<sup>(۹)</sup>

## ۲. طرح بحث:

براساس آنچه شرح آن رفت طرح مسئله اول بر اندیشه‌ای اساسی استوار است. محتوای این اندیشه آن است که وقف بخش مهم از میراث مادی و معنوی جوامع اسلامی بوده و در عین حال ابزاری از وسایل صیانت از عناصر این میراث و پیشرفت آنها

است. آثار معماری و عمرانی به عنوان نمونه می‌تواند شامل املاک وقفی بوده که در حد خود منابع را برای تحقق اهداف خیر خواهانه فراهم سازد و یا املاک موقوف علیهایی باشد که منابع نگهداری آنها توسط همان موقوفات فراهم شوند.

به علاوه دو معضل و مسئله دیگر در جوامع معاصر اسلامی به این مقوله اضافه می‌شود: اول مشکل میراث و دوم تعلیق کارکرد وقف. و به دنبال، سئوالی مطرح می‌شود که عناصری که مسئله احیای میراث را با مسئله احیای نقش وقف، پیوند و ملازمت بخشیده کدامند؟ افزون بر این، معضل و مشکل میراث به ارتباط ناخوشایند میان میراث و عناصر تمدن ساز جامعه و اهمال واضح در شناخت میراث تاریخی و ایجاد ابزار موثر محافظتی برای آن میراث بر می‌گردد. تعلیق کارآمدی و کارکرد وقف در جامعه که به تحولات سیاسی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی موجود در بلاد عربی و اسلامی از آغاز دوران جدید بر می‌گردد و عوامل داخلی و

طور خاص با احیای نقش وقف در جوامع اسلامی به عنوان ابزار فراهم سازی منابع ضروری حفاظتی و بهبود زمینه‌های عمرانی است. و دوم امکان فعال سازی کارکرد وقف در پیشرفت مدرن عمرانی با پرداختن به سازوکارهای برنامه ریزی شده عمرانی به عنوان ابزار حمایتی برای افزایش درآمدها و استفاده عقلانی از آنهاست.

### ۳. روش علمی مقاله:

روش این تحقیق مبتنی بر دو جنبه و دو دیدگاه دو گانه نزدیک به هم خواهد بود: اولین جنبه، نظری بوده و بُعد میراثی دارد و از درون تحقیقات علمی معاصر بیرون آمده و پیرامون زوایای گوناگون رابطه میان میراث و وقف با تکیه بر منابع فراوان، سخن می گوید. دومین جنبه، عملی و میدانی بوده و بر تحلیل و نتیجه گیری و بررسی و پژوهش امکانات و راهها و روش های دخالت دادن وقف در پیشرفت نوین عمرانی با مراجعه موردی به وضعیت الجزایر و متون قانونی و ساختاری

تأثیرات خارجی نیز در آن کارساز بوده، منجر به تضعیف نهاد وقف در حیات جوامع معاصر عربی و اسلامی گردید. این موضوع را می توان پیامد غفلت از میراث و عدم توجه به اهداف تراثی بر شمرد.

این مسئله ما را به طرح چالش دوم و فرعی مربوط به فعال سازی ابزار برگرفته از میراث جامعه برای تحقق پیشرفت های نوین جامعه می کشاند. این طرح، وقف را از مهم ترین ابزار پنهانی می داند که در پیشرفت و آبادانی نقش دارد. سرآغاز این طرح عبارت از: گنجاندن وقف در ساز و کارها و برنامه های عمرانی خواهد بود. و سوالی که مطرح می شود آن است که ابعاد و حدود و شرایط این گنجاندن و سازوکار اجرایی آن از نقطه نظر علمی چگونه خواهد بود؟

در اینجا بر اساس گفته های قبل می توان طرح اساسی مقاله را ریخت که طرحی دوسویه است. اول مسئله ارتباط احیای میراث به طور کل و احیای میراث معماری و عمرانی به

موجود در آن استوار است .

(با بیان این نکته که وضعیت الجزایر محور بررسی ما در این بحث بوده نیست، بلکه به عنوان منبعی مقایسه‌ای مورد پژوهش واقع می‌شود)...

بنابراین دو بحث اصلی تحقیق عبارت است از:

۱. میراث و وقف

۲. پیشرفت نوین و پایدار عمرانی

و وقف.

### مبحث اول:

#### میراث معماری عمرانی و وقف:

#### الف: چالش میراث معماری و عمرانی و مقوله وقف:

یک ارزیابی و اندیشه وتامل همه جانبه از وضعیت آثار معماری و عمرانی در کشورهای اسلامی کافی است تا این پرسش در اذهان به وجود آید که دلیل بروز وضع نابسامان و آشفته این میراث در این کشورها چه بوده؟ خانه‌هایی در آستانه تخریب؛ آپارتمان‌ها و برجهایی که بی حساب و کتاب تغییر کاربری داده و پروژه‌های غول آسای عمرانی که بشکلی سرطانی وسعت یافته وبافت

کهن شهری را از درون تخریب و از بیرون آن را محاصره می‌کند. همه اینها از پیامدهای این نابسامانی بوده و البته در پی تراکم نفس گیر جمعیتی و نیاز شهروندان به خدمات جدید رفاهی و شهروندی و بی توجهی به میراث معماری و عمرانی به وجود آمده‌اند.<sup>(۱۰)</sup> مشکل تعاملات میراثی جوامع ما- به هر شکل و به هر درجه تأثیر- در فقدان پیشرفت تدریجی دیدگاههای میراثی ما نهفته است. مفهوم (میراث مادی) به یکبار و در مدت زمانی کوتاه بر ما رخ نمود. به عکس غرب که آگاهی‌اش نسبت به این میراث طی چندین قرن تحقق یافت. ولذا می‌توان گفت که در تعامل با میراثمان، مشکل روش شناختی و جامعه شناختی، نهفته است.

شاید از مهم ترین دلایل بروز این وضعیت نابسامان میراث (کلمه میراث ازاین پس به مفهوم میراث معماری و عمرانی خواهد بود) همان نگاه کوتاه بینانه به ماهیت میراث است. بیشتر در مفهوم و برداشت مان از میراث به ویژگی‌های مادی صرف آن اکتفا

پیشرفت آن و یکی از راههای برون رفت از معضل تعامل با میراث و عامل موثر در سازماندهی و صیانت از میراث در کشورهای اسلامی مطرح باشد....

## ب: سازگاری ارزشهای میراث با ارزش های وقف

### ۱. ارزش معنوی

از آنجا که وظیفه اولیه میراث، صیانت از دستاورد پیشینیان بوده، هاله‌ای از قداست آن را فرا می‌گیرد. دستاوردی که به عنوان عنصری از عناصر حافظه جمعی است که عظمت‌های گذشته را در نسل‌های بعدی ماندگار می‌سازد. به قول معمار انگلیسی جان راسکین - که شاهد تغییرات بنیادین انقلاب صنعتی در قرن نوزده انگلستان بوده - میراث را اصلاً نباید مورد تعرض فیزیکی قرار داد و بل چنانکه شایسته آن است باید از آن صیانت کرد.<sup>(۱۲)</sup> در بیشتر اوقات پیوند ارزش معنوی میراث با ارزش زیبا شناسی آن رخ داده است. چنانکه مورخین هنر معماری در قرن نوزدهم از جمله کامیوسیت

می‌کنیم و نگهداری از میراث و احیای آن غالباً از نگهداری ساختمان در چار چوب مادی آن فراتر نمی‌رود.<sup>(۱۱)</sup> افزون بر این مشکل و معضل نگهداری از میراث در جوامع پیشرفته به طور عام و در جوامع عربی به طور خاص تحت بررسی‌های روشمند و تحقیقات ژرف علمی قرار نگرفته و بیشتر بر بی‌اندیشگی و تقلید کورکورانه مبتنی بوده است. و این خود تا حدودی روشنگر معضل و گرفتاری همیشگی و شایع در تعامل با میراث و صیانت از آن است. در بیشتر اوقات نمی‌دانیم که از کجا آغاز کنیم و چگونه با میراثمان برخورد کنیم. در حالیکه فهم درستی از مفهوم روانی و فلسفی پنهان در ورای صیانت از میراث در میان نبوده و شروط ضروری برای تعیین دیدگاه جامعه شناختی، تاریخی و زیبا شناختی، شناخته نشده است. در این جاست که وقف با شمولیت خود به عنوان پدیده‌ای معنوی، روان شناختی، اجتماعی و اقتصادی رخ می‌نماید تا به عنوان یکی از طرح‌های روشمند برای صیانت از میراث و

اتریشی بر آن تأکید داشته اند... (۱۳) اینان بر نگهداری موزه‌ای این میراث و عدم تماس فیزیکی با آن، تأکید و اصرار داشته و آن را به مثابه کتابی باز فرا روی نسل‌ها تصور کرده که آن را می‌خوانند و در تجدید دیدگاهها و پیشبرد اهداف خود از آن ملهم می‌شوند. وقف نیز به مانند میراث از قداست و معنویت برخوردار است و خاصیت دوام و جاودانگی داشته و (به مانند میراث) غالباً از تعرض و تماس فیزیکی در امان بوده و درآمدهای آن در غیر موضوع مقرر خود استفاده نمی‌شود. علاوه بر این وقف، از حمایت و مصونیت منحصر به فرد دینی و آیینی‌ای برخوردار است که برای دیگر عناصر مادی اجتماع کمتر فراهم می‌شود. و اینجاست که میراث و وقف در ارزش معنوی خود باهم پیوند می‌خورند جزاین، وقف به فضل مصونیت دینی، ابزاری برای پاسداری از میراث مادی هم می‌توند مطرح باشد.

## ۲. ارزش نوگرایی و ماندگاری:

ارزشمندی میراث (معماری و

عمرانی) امروزین در بار معنوی و زیبایی آن خلاصه نمی‌شود. پیشرفت سریع عمرانی در قرن بیستم یک چالش محوری در جایگاه و نقش میراث در دنیای مدرن، ایجاد نمود. چالشی که کنفرانس عمومی محافظت از مناطق باستانی که در ۲۶ نوامبر ۱۹۷۶م در نایروبی برگزار شد به آن اشاره داشته بود. (۱۴) محور آن کنفرانس، نقش مناطق تاریخی در زندگی معاصر؛ نحوه پیوند میراث عمرانی با روح زمانه و با وسایل و ابزار پیشرفته زندگانی؛ شیوه محافظت از بافت‌ها و مراکز عمرانی با ورود مطالبات نوین زندگی و سرمایه‌گذاری روی آنها به عنوان زمینه‌هایی برای زندگی روزمره انسانها و به عنوان ابزار اقتصادی موثر در گردشگری فرهنگی - که جنبه بین المللی پیدا کرده - متمرکز بود. همه این موضوعات با تأکید به عدم تماس و تعرض و دخالت فیزیکی در این آثار به لحاظ ارزش باستانی و تاریخی آنها ارایه شد.

این دیدگاه در نگاه رویی، تناقض نما خواهد بود. یعنی صیانت از میراث



داده - از داخل تخریب خواهد شد. در اینجا شاهد تلاقی میراث و وقف هستیم. وقف به سهم خود طی دهها سال زیر فشار موقعیت‌های دوران جدید و منافع گوناگون مادی قرار گرفته و بر خلاف مصونیتی که دین بر املاک موقوفه ایجاد نموده بسیاری از آنها تخریب شده و یا به املاک ویژه‌ای تبدیل و یا در آمده‌های آن در غیر محل مقرر خود هزینه شده است. در برخی کشورها نیز وقف را به طور رسمی با شرایط زمانه سازگار نمی دانند و آن را مانع فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه گذاری قلمدار می کنند. در مقابل، عده‌ای از این سیاست‌های رادیکالی براندازنده وقف، بر تافته و بر نقش معنوی، اجتماعی، اقتصادی و مالی وقف تأکید و آن را ابزار همبستگی اجتماعی و هدایت سرمایه‌های شخصی به سوی مصالح عمومی می دانند...

### ج: ضرورت شناخت دقیق میراث و نقش وقف در آن:

لازمه‌ی صیانت از میراث، شناخت

و نگاه موزه‌ای به آن از جهتی و ورود دستاوردهای مدرن و زندگی معاصر در آن از جهت دیگر. تناقضی که قبلاً مهندس ایتالیایی جیوانی (Gio vannoni) در نیمه نخست قرن بیستم ۱۹۳۱م به آن اشاره کرده بود. (۱۵) این دیدگاه که سعی دارد میان نیاز به استفاده از آثار عمرانی ربا صیانت از آن آثار، سازگاری ایجاد نماید یک مشکل اساسی در ارتباط با آثار عمرانی و میراثی در کشورهای عربی به وجود آورده که به طور مستقیم بر تراکم جمعیتی و نیازها و شرایط زندگی مدرن تأثیر گذار است. ورود شبکه‌های مختلف خدماتی مانند راهها، شبکه‌های آبی، خطوط برق و تلفن و... بر وضعیت آثار میراثی و باستانی اثر گذارند علاوه بر آن، ساکنان موجود در بافت‌های عمرانی تاریخی، آرزوی نو شدن راهها، ساختمانها و مراکز رفاهی را بدون در نظر گرفتن تناسب و سازگاری با مواد اصلی در سر می پروراند. که در صورت وقوع آن، آثار تاریخی - چنانکه در بسیاری از شهرهای قدیم اسلامی هم اکنون روی

عناصر سازنده آن است. شاید آغا زین گامهای پیموده شده در غرب اروپایی در مقوله میراث، مربوط به تجمیع تمامی دستاوردهای قدیم و به ویژه آثار دو دوره یونانی و رومی در عصر رنسانس بوده است... این دستاورد شامل متون و آثار و نشانه‌های مادی بود. نیز توجه به عامل زمان به ویژه در زمینه ساختمان مورد توجه واقع شد که نوشته‌های دوره رنسانس لئون باتیستا آلبرتی گویای این مطلبند.<sup>(۱۶)</sup> موسسه اوقاف همان نقش سیاهه بندی میراث غربی را در این سو و در ازای تمدن اسلامی ایفا می‌کند. این خدمت شامل: ثبت املاک موقوفه (شامل ساختمانهای عمومی و عقارات) و تدوین و تعیین وضعیت املاک در بافت شهری، نقش املاک در ارائه خدمات عمومی و درآمد املاک و موارد مصرف آن می‌شود. حتی در مورد پاره‌ای از املاک، اصطلاحات به کار رفته در توصیف اجزای معماری و عمرانی آنها و حتی مواد و مصالح ساختمانها، راهها و فن آوری ترمیم بناها تدوین شده است. به عنوان نمونه

به تحقیق استاد شرقی که بر پایه اسناد وقفی جامع اعظم الجزایر صورت گرفته می‌توان اشاره نمود.<sup>(۱۷)</sup> از این روی تحقیقات جدید میراثی در جوامع پیشرفته به طور خاص، از کنکاش و تحقیق در آرشیو اسناد اوقاف در نبود اسناد دیگر تاریخی، بسی نیاز نخواهد بود. زیرا اسناد وقفی، مدارک اولیه و خاصی هستند که از دیدگاه ما آرشیو زنده و پویای میراثی را تشکیل داده ابزار روشمندی برای شناخت دقیق و علمی میراث را مهیا می‌سازد.

## د: شمولیت میراث و شمولیت وقف:

در پایان قرن هفده و در خلال قرن هجدهم میلادی، غرب با یک ایده ویژه و کپی شده مبتنی بر نگاه شمول گرایانه به میراث آشنا شد. نگاهی که تمامی دوران‌های تاریخی و همه عناصر میراث را در برداشته و دوران روم و یونان باستان را از هم گسیخته و جدا از یکدیگر فرض نمی‌کرد. هر آنچه قدیمی است به اعتبار این تعمیم

ضرورت ایجاد قوانین حمایتی برای جلوگیری از تخریب و تغییر میراث رخ نمود. آنچه تدوین این دست قوانین را ضروری تر نمود، عوامل سلبی ای بود که به دنبال تحولات عظیم صنعتی، علمی و تکنولوژی بر میراث چمبره زده بود و تهدیدی جدی برای پایداری بافت‌های قدیم عمرانی به حساب می‌آمد.

در اینجا نیز همان تناقض ظاهری میان صیانت از میراث و ضرورت دخالت آن در زندگی معاصر و زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی به وجود می‌آید به گونه‌ای که قوانین مربوط به حیطه میراث از قرن هجدهم رفته رفته از چارچوب موزه‌ای، خارج و تبدیل به قوانینی برای تعامل سازنده اقتصادی با میراث و فراهم سازنده زمینه‌های سیاحتی و فرهنگی آن شد.

در اینجا است که میراث و وقف دوباره به دیدار هم می‌آیند. پس از آنکه وقف در چارچوب‌های فقهی محض قرار گرفت، برنامه‌ها و قوانینی به میان آمد تا نقش اقتصادی فرهنگی و اجتماعی وقف را فعال سازی کند.

در قالب این دیدگاه روشمند قرن هجدهم، جزء میراث به حساب می‌آید. همزمان با طرح این دیدگاه، توجه به آثار معماری، تاریخی و باستانی در دوران رنسانس و همزمان با آن گرایش شدید به دست نوشته‌ها و متون قدیمی رو به افزایش گذاشت. در این میان مفهوم وقف، قرن‌ها قبل از ظهور تفکر فراگیر غربی در مورد میراث، دیدگاه شمولی نسبت به میراث را شکل داده بود. از دیدگاه فقهی هر آنچه قابل بهره برداری بوده رابا شرط بقای اصل آن می‌توان وقف نمود. محدوده اوقاف نیز تا ساختمانهای خصوصی و عمومی، بازارها، اراضی کشاورزی، باغها، مصحف‌ها، کتابها، مخطوطات علمی و دیگر منابع سودمند را شامل می‌شود<sup>(۱۸)</sup> ...

## هـ: وقف، حصار فقهی حقوقی برای صیانت از میراث:

همزمان با اهتمام گسترده به میراث در دو قرن نوزده و بیست میلادی به ویژه برای محققان و کارشناسان میراث

برخی از این قوانین و برنامه‌ها به نفع مصالح عمومی و عام المنفعه تبدیل شد و گونه‌ای از هزینه‌ها را تأمین کرد که در مفهوم کلاسیک وقف، شایع نبود<sup>(۱۹)</sup>.

به لحاظ فقهی و حقوقی، شارع دین مبدأ استمرار وجودانگی وقف و ارزشگذاری معنوی آن است تا ابزار حمایتی لازم از میراث را فراهم نموده و بر مصونیت میراث اضافه نماید و مشارکت موثر و آگاهانه آن را در عناصر جامع مدنی تضمین نماید. تجربه ثابت نموده که قوانین حقوقی محض، در این زمینه کافی نبوده بلکه این قوانین باید با ارزش‌های دینی و معنوی پشتیبانی شوند.

### مبحث دوم:

#### پیشرفت مدرن عمرانی و وقف:

پس از بررسی پیوند مفهوم کلی میراث و وقف و ملاقات این دو پدیده در زمینه‌های گوناگون و تکامل بخشیدن یکدیگر این دو در جنبه‌های مختلف و همچنین مواجهه آنها در چالش‌های معاصر، اکنون توجهمان را به موضوع

برنامه ریزی عمرانی معاصر و نقش وقف در آن (به عنوان مکمل موضوع میراث) جلب می‌نماییم. چراکه وقف یک پدیده میراثی محض نبوده بلکه ابزاری است که در راستای پیشرفت جوامع معاصر اسلامی (که میراث گذشته را به اجتماع و اقتصاد جدید پیوند زده) مورد بهره برداری قرار می‌گیرد.

### الف: تلاقی مسائل تاریخی وقف با مسائل مدرن عمرانی:

اهمیت به روز رسانی وقف به عنوان میراث تاریخی اجتماع، تقریباً و به دلایل گوناگونی روبه فراموشی گذاشته است اما این موضوع در جوامع مدرن همواره بایسته و شایسته فعال بخشی بوده و با ضروریات آن در تناقی نمی‌باشد. به لحاظ تاریخی، کافی است به انتشارات وسیع وقف در بیشتر کشورهای اسلامی در اواخر دوره عثمانی و نقش اجتماعی آن در پاسخگویی به احتیاجات بسیاری از گروهها در آن جوامع و نقش اقتصادی آن در حفظ و پیشرفت سرمایه و استفاده از آن برای تحقق مصالح

عمومی اشاره نماییم . امروزه وقف در پیشرفت های عمرانی دو مهم را بر خود لازم و اساسی دانسته و آن عمران و تاریخ آن است. البته این موضوع صرفاً نقش است . در همین زمینه توجه مان را به تلاقی چالش ها و مسائل تاریخی وقف با چالش های امروزی موجود در قوانین جدید عمرانی جلب می نمایم.



به جنبه شناخت تاریخی محدود نبوده بلکه از این حیث و در پیشبرد هدایت املاک برای تحقق اهداف اجتماعی اقتصادی و برنامه های گوناگون دارای این تلاقی رادر دو مسئله اصلی خلاصه می کنم: موضوع افزایش خدمات شهری و دیگری همدلی و هدایت جریانات عمرانی جدید.

## ۱. نقش وقف وامکان به کار گیری آن در پیشبرد خدمات شهری.

به لحاظ تاریخی وقف وسیله‌ای برای هدایت موثر منافع و خدماتی بوده که حیات متمدن بر آن بنا شده است. امروزه وقف در شمار ابزارهای میراثی است که برای رفع مشکلات سنگینی که به مقتضای منافع تمدنی در ملل پیشرفته بروز یافته، کار ساز می‌باشد. به ویژه در شرایطی که عوامل حکومتی به دلیل ناتوانی مالی و تشکیلاتی در سایه اقتصاد آزاد و نبود قدرت لازم اقتصادی برای ورود به منافع عمومی، کفایت و کارآمدی لازم را نداشته باشد. همچنین ابزاری چون وقف می‌تواند برای تأمین بودجه برخی از طرح‌ها و تأسیسات عمومی که دولت در هزینه‌ها و یا اتمام آن ناتوان بوده به کار آید. این خدمات می‌تواند در ازای بهره‌مندی متقابل وقف از مزایایی ارایه شود که در جهت پیشبرد و صیانت از آن موثر باشد... تجربه دولت عثمانی در گذشته<sup>(۲۰)</sup> و نیز تجارب موفق دولت کویت در حال حاضر در این زمینه به

اثبات رسیده است.<sup>(۲۱)</sup>

نقش وقف در مشارکت در طرح‌های عام المنفعه خلاصه نمی‌شود، در برخی از نیازهای اساسی اجتماع که با تحقق پیشرفت‌های عمرانی (به مفهوم شامل آن) ارتباط یافته، وقف می‌تواند باری سنگین از آنها را به دوش کشد. پاره‌ای از این نیازها شامل آموزش مسکن (مشارکت در اسکان عمومی و یا افزایش اسکان موقت در مواقع بحرانی)، مراقبت‌های بهداشتی، افزایش کمک‌های غذایی (در بخشی از اجتماعاتی که در شرایط سخت اقتصادی به سربرده) و سرپرستی خانواده به مفهوم وسیع آن.<sup>(۲۲)</sup>

## ۲. وقف و فعالیت عمرانی:

غالباً به وقف به عنوان عاملی بازدارنده و مسئله ساز برای پیشرفت عمران نگاه می‌شود. بدین جهت که وقف، دارایی و تصرف آزاد در آن را متوقف ساخته و با پیشرفت و حرکت پر شتاب دنیای مدرن در تعارض است. حال آنکه عبور از مشکل تناقض ظاهری

وقف در ارتباط با سرشت و ویژگی وقف وامکان دیدن آن در برنامه‌های ملکی و عمرانی همواره دچار جهل یا تجاهل بوده‌اند. این وضعیت ریشه‌های تاریخی و عینی دارد که برای نمونه به برخی از آن اشاره می‌کنیم. رکود، بی‌اعتنایی و سیر فقهرایی که وقف قبل از استقلال در اثر سیاستهای استعماری و بعد از آن (در برخی کشورها) در اثر سیاستهای نوین رادیکالی مبتنی بر الگوی مرکزی سوسیالیستی و جنبش اجتماعی و نفی نقش میراث محلی در پیشرفت اجتماعی و اقتصادی<sup>(۲۴)</sup> شاهد بود که به دنبال آن، املاک وقفی مورد حمایت لازم در سطح رسمی و ویژه و جداگانه قرار نگرفت و بیشتر آن تحت سلطه و تسلط دولتی در آمد به گونه‌ای که وقف املاک به دلیل نبود ضمانت‌های کافی از واقفانی که خود طرحهای جدید و موثرتری را برای پیشرفت و حمایت سرمایه‌ها و املاک خود یافته بودند مورد بهره برداری عمومی قرار نگرفت. همه این‌ها منجر به جهل یا تجاهل نسبت به مسئله وقف

میان دیدگاه نظری وقف و حرکت‌های عمرانی، بوسیله برنامه ریزی در راستای دیدن وقف در برنامه‌های راهبردی و کلان عمرانی و ایجاد راههای تعاملی با وقف به منظور صیانت و پیشبرد آن، امکان پذیر خواهد بود به گونه‌ای که نه تنها با کارهای عمرانی در تعارض بوده بلکه موجب هدایت و تحقق این نوع فعالیت‌ها باشد... از طرفی وقف در پاره‌ای از مواقع می‌تواند فعالیت‌های عمرانی را ضرورتاً مهار نماید. بدین قرار که با تشکیل اندوخته ملکی غیر مستعمل، نیاز و در خواست شهروند و شهروندان رادر آینده پاسخ دهد و پیشرفت متوازن عمرانی رادر پی داشته باشد. پیشرفتی که صرفاً بهره برداری‌های بزرگ ملکی متمرکز نبوده و زمینه را برای املاک بدون ساخت و ساز و فضاهای سبز فراهم کند<sup>(۲۳)</sup>...

## ب : موانع ورود وقف در برنامه‌های معاصر عمرانی و راههای عبور از آن:

برخی برنامه ریزان و مجریان مسایل

درد و بخش زنده جامعه شد: پیشبرد ملکی و برنامه ریزی عمرانی. این موضوع را در نکات زیر خلاصه و در اساس بروضعیت کشورالجزایر تکیه می‌کنیم گرچه پاره‌ای از این ملاحظات بردیگر کشورها نیز قابل تعمیم اند. (۲۵)

## ۱. وقف و موضوع املاک و مستغلات:

در ارتباط با موضوع املاک، وقف را گاهی جزء انواع اصلی مالکیت به حساب نیاورده و آن را فرعی از انواع مالکیت و ممنوع از تصرف بر می‌شمرند. گرچه در جاهایی وقف را یکی از انواع تصرف در مالکیت قلمداد می‌کنند. (مالکیت عمومی، خصوصی و اوقاف). برای نمونه قانون ساماندهی املاک الجزایر مورخ ۱۸ نوامبر ۱۹۹۰م صرفاً دو بند ۳۱ و ۳۲ را به موضوع وقف و آن هم با عباراتی بسیار کلی اختصاص داده و راههای برنامه ریزی و کنترل املاک وقفی را به قانون سپرده است. قانونی که خود از نقطه نظر عمرانی به هیچ روی با وقف در تعامل نیست.

این موضوع موجب مشارکت دراز بین بردن املاک وقفی به عنوان عناصری از بافت عمرانی خواهد شد. عناصری که می‌توانند در تحول عمرانی شهر به لحاظ کاربردی و نحوه به کارگیری اراضی و ساختمان‌ها دخیل بوده و آنها را راهبری کرد. به شرط آنکه وقف را از عاملی منجمد برای املاک به یکی از انواع تصرف‌های ملکی، تغییر اعتبار داد و دیگر آنکه امکان نگارش اهدافی مشخص برای خدمت به مصالح عمومی و رفع نیازهای شهر وندی و محلی و تحقق سیاست‌های آینده عمرانی و برنامه‌های هدفمند شهری درباره وقف فراهم شود.

## ۲. ضرورت عبور از قوانین دست و پا گیر و ایجاد ابزار حمایتی از پیشرفت‌های معاصر اجتماعی و اقتصادی:

سیاست گذاری وقف در حال حاضر با مرکزیت (وزارت اموردینی و اوقاف) است. این موضوع ریشه در تحولات تاریخی بسیاری از کشورهای



عربی و اسلامی داشته و علت آن بسط نفوذ دولت تازه تأسیس یافته مرکزی بر موسسات خودجوش جامعه و به ویژه بر موسسه وقف بوده است. تاریخ اسلام نشان داده که کوشش دولت برای تسلط کامل بر وقف منجر به نتایج منفی بوده به گونه‌ای که تصرفات غیر قانونی اوقاف و کاهش تأثیر گذاری وقف را در پی داشته و باعث انصراف ملاکین از وقف املاک خود از ترس دخالت دستگاههای دولتی در آن شده است. (۲۶)

علی رغم اهمیت مسئله‌ی پیوند دولت با وقف در جوامع معاصر، موضوعات آن به لحاظ کمی و کیفی مورد پژوهش کافی قرار نگرفته است و این خود تأکیدی است بر اهمیت تحقیق در تاریخ تعامل حکومت‌های سیاسی بر وقف. پژوهشی که نمونه آن را استاد راندی دو گلیم (Randi degguilhem) در مورد تاریخ وقف سوریه بعد از استقلال به انجام رسانیده است. (۲۷)

از دیگر روی مرکزیت دادن مفرط به مدیریت وقف‌ها با طبیعت غیر مرکزی وقف در تعارض خواهد بود

چراکه اوقاف دائماً با موسسات محلی خودجوش و مستقل از دستگاه دولت در ارتباط بوده و ضرورتاً اهداف متنوعی را دنبال کرده و نیاز جوامع و گروههای محلی را برطرف ساخته است. ویژگی سازمان یافته و غیر متمرکز وقف، راهبری کنترل شده انعطاف پذیری آن را در جهت نیل به اهداف وجودی آن، امکان پذیر می‌سازد حال آنکه تعامل مرکزی با وقف، بر این روش نبوده و در اساس، به فهرست کردن املاک وقفی و ثبت و ضبط آن در قالب تشکیلات اداری اهتمام داشته و به وقف به عنوان ابزاری که امکان فعالیت موثر اقتصادی و اجتماعی در محیط‌های محلی داشته باشد نگاه نمی‌کند. فعالیت‌هایی مانند ایجاد تشکیلات غیر متمرکز محلی موثر در قانونمندی و هدایت وقف و بررسی انواع وقف‌های تجربه شده که در ورود به اقتصاد معاصر دارای قابلیت بوده مانند وقف نقدی که در دولت عثمانی شایع شد و یا ایجاد بانک اوقاف که وجود محلی آن در شهرها محسوس باشد و برای آن اهداف

سرمایه گذاری مشخص شده باشد و در اساس در ارایه‌ی خدمات عمرانی، سهمیم و پیشرفت منابع وقف و بهینه سازی آن منابع را تضمین نماید. این ایده برای نمونه در الجزایر با تأسیس صندوق مرکزی اوقاف، مشترک میان وزارت مالی و وزارت اموردینی و اوقاف در سال ۱۹۹۹م به وقوع پیوست (۲۸) گرچه این طرح، بسیار نیازمند بررسی دقیق علمی بوده است.

از دیگر مسائل مورد غفلت در راهبردهای معاصر وقف، ایجاد انگیزش و ترغیب و تشویق نسبت به ترویج وقف بوسیله تبیین مزایای معنوی و مادی وقف که از درآمدها و تعهدات ملکی آن حاصل می‌شود بوده است. که موجب عدم اعتماد مردم از مسائل حاکم بر وقف و در نهایت انصراف آنها از وقف گذاری شده است. (۲۹)

### ۳. غیاب وقف در سیاست‌ها و برنامه‌های عمرانی و شیوه ورود به آن:

هم اکنون برنامه‌های عمرانی مبتنی بر طرحهای توجیهی شهری بوده و امکان

گنجاندن ابزاروقف در پاره‌ای از سطوح آن، با هدف فعال سازی در برنامه‌های عمرانی، امکان پذیر است. این کار در آغاز مراحل اجرای طرحهای برنامه ریزی شده عمرانی یعنی مرحله تحلیل زمینه و تعیین افق‌های پیشرفت عمرانی به انجام می‌رسد. این مرحله بخش مهمی از وظایف مراکز تحقیقاتی است که به پژوهش در اجرای طرحهای توجیهی می‌پردازند. گنجاندن وقف (در حالت وجود مالکیت‌های وقفی) در ضمن بررسی اقتصادی زمینه، که از یک جنبه شامل بررسی مالکیت می‌شود امکان پذیر است. در این بررسی تعداد مالکیت‌های وقفی، توزیع شهری آن و کیفیت و کاربردهای آن مشخص می‌شود. بر عکس آنچه هم اکنون اتفاق می‌افتد یعنی بررسی‌ها صرفاً به تعیین مالکیت عمومی و خصوصی محدود می‌شود.

پس شناخت وضعیت املاک موقوفه گام اولیه و اساسی در گنجاندن وقف در طرحهای عمرانی است. دیدن وقف در ارزیابی مالی و اقتصادی شهرنیز

پیشرفت عمرانی نینجامیده است. استاد یراسیموس در پژوهش‌های وقفی و عمرانی استانبول در خلال قرن نوزدهم به این نتایج اشاره داشته است.<sup>(۳۰)</sup>

#### ۴. عدم شناخت دقیق از وضعیت وقف:

سیاست گذاری روشن عمرانی بدون شناخت دقیق، علمی و واقعی وقف، امکان پذیر نخواهد بود. از دشواریهای پژوهشگر در مسئله وقف و امکان گنجاندن آن در طرحهای عمرانی، نبود آمارهای دقیق املاک وقفی در شهرها و وضعیت حقیقی آنها و موقعیت‌های آن در بافت عمرانی است. بلکه گاهی تعیین نسبت املاک و مستغلات وقفی در میان املاک عمومی شهر امکان پذیر نیست. چه رسد به نبود بانکهای اطلاعاتی برای شناخت تغییرات کمی و کیفی املاک وقفی در طول زمان و برای دریافت تغییرات منفی یا مثبت در وقف.

جز این، مشکل آمار املاک و مستغلات در وقف خلاصه نمی شود

امکان پذیر است به گونه‌ای که اعتبار درآمدهای وقفی و روش‌های هزینه کرد آنها در انفاق عمومی به طور مستقیم سهیم خواهد بود. همچنین می توان کمیت آن درآمدها و نقش و هدایت آن را به عنوان عناصر پیشرفت محلی ارزیابی نمود. از دیگر روی می توان در طرحهای توجیهی، وقف را گونه‌ای از انواع سرمایه گذاریها قلمداد کرد که در خدمت نیازهای شهری (پیشبرد املاک، آموزش، بهداشت، موسسات فرهنگی، خدمات رفاهی و...) درآید...

جز این، دیدن اوقاف در سیاست‌های محلی عمرانی از طریق طرحهای توجیهی، کاری سهل نخواهد بود. ایجاد هماهنگی دقیق میان ادارات اوقاف و دفاتر محلی و موسسات تحقیقاتی عمرانی در اینجا ضروری خواهد بود. آنچه در دشواری گنجاندن وقف در برنامه‌های عمرانی می افزاید آن است که براساس تجربه‌های تاریخی، رویارویی مطالبات و پیشرفت‌های عمرانی با مسئله پاسبانی از اوقاف، غالباً به برآوردن مطالبات

بلکه این مشکل شامل حال املاک و مستغلات عمومی نیز می‌شود. علی‌رغم اینکه قانون سازماندهی املاک الجزایر، شهرداری‌ها را مکلف به فهرست بندی عمومی املاک موجود در آن کشور در قالب ثبت مستغلات شهری نموده اما واقعیت پیچیده اراضی و مستغلات، همواره درهاله‌ای از ابهام باقی مانده است. گرچه وزارت اوقاف الجزایر گامهای مثبت را در راستای احصا و بازیافت املاک وقفی برداشته است. البته اگر این گامها در عمل به روشنگری دیدگاهها و رفع درگیریها و نزاعات موجود برسر اوقاف بینجامد....

### ۵. خلاصه و پیشنهادها:

جستار در ابزار پیشرفت پایدار در جوامع مدرن - پس از محوسراب پیشرفت همه جانبه اقتصادی در مفهوم شایع آن در دهه شصت و هفتاد و حتی آغاز دهه هشتاد - می‌بایست از طریق جستجو و تحقیق در سازمان‌های محلی میراث که امکان بروز رسانی و همسازی

آن با نیازهای زمانه باشد، عبور نماید. وقف به مثابه ابزاری میراثی برای پیشرفت پایدار - در صورت فهم انعطاف پذیر و همسازانه آن با مطالبات زمانه - می‌تواند وسیله‌ای موثر و عملی را برای پیشرفت جامعه فراهم نماید. ابزاری که تأثیرش بسیار بیشتر از شعارهای تبلیغاتی درباره صیانت از میراث و مصالح عمومی خواهد بود.... در پایان این مقاله به صورت فهرست وار، نتایج و پیشنهادهایی در مورد نقش وقف در حمایت از میراث و تحقق پیشرفت عمرانی ارایه می‌نماییم.

### الف: وقف و میراث:

- گسترش تحقیقات وقفی در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی برای استخراج چارچوبه‌های فقهی و حقوقی وقف به منظور شناخت دقیق و علمی میراث باستانی و معماری، با این پیش فرض که بخش مهمی از این میراث تحت لوای موسسه وقف بوده است. - پیوند مسئله میراث با وقف با تأکید بر ارزشهای مشترک آنها در تمدن

در این زمینه به طور فراگیر فاقد توانایی‌های لازم بوده‌اند.

- فعال نمودن وقف در طرحهای شهری و عمرانی به عنوان ابزاری از وسایل تحقق پیشرفت پایدار. راهکار آن، دیدن وقف در راهبردها و برنامه‌های جدید عمرانی و تثبیت آن به عنوان ابزار برنامه ریزی، کنترل و هدایت املاک و عقارات است....

- برجسته سازی و فعال کردن وقف در زمینه‌های اقتصادی اجتماعی و مالی و ایجاد راههای عملی برای آن و همچنین وضع طرحهای قانونی و توجیهی وقف به عنوان ابزاری فعال و مستقیم برای افراد و گروههای اجتماعی در جریان پیشرفت عمران. مشارکت آگاهانه و داوطلبانه در تحقق مطالبات جامعه، اساس تحقق پیشرفت پایدار و مورد انتظار است.

اسلامی و مواجهه آنها با چالش‌های روز و برجسته کردن نقش وقف در صیانت از میراث به طور عام و میراث معماری و عمرانی به طور خاص؛ بدین شیوه که مفهوم وقف از مفاهیم تراثی منبعت از اصل جوامع اسلامی دانسته شده و برآمده از مفهوم وارداتی و اروپایی آن نباشد.

در نتیجه این پیوند، طرحهای قانونی برای حمایت از میراث با حضور وقف در آنها ایجاد خواهد شد....

تحول و گسترش ابزار آماری و تدوین میراث مادی و وقف با ایجاد بانک‌های اطلاعاتی. چراکه حمایت از میراث و اوقاف در نبود شناخت دقیق از آن دو در واقعیت، محلی از اعراب ندارد.

### ب: وقف و پیشرفت عمران:

- گنجاندن وقف در طرحهای عام المنفعه معاصر و فعال نمودن آن در ارائه خدمات شهری و تحقق پاره‌ای از نیازهای شهروندان در شرایطی که موسسات دولتی و محلی (شهرداری‌ها)

## پی نوشت ها

- \* این مقاله ترجمه و تلخیصی است از :  
دورالوقف فی الحفاظ علی التراث العمرانی  
و تحقیق التنمية المستدیمة. للدكتور معاویة  
سعیدونى، مجلة الاوقاف، السنه العاشرة،  
العدد ۱۹- ذوالحجه ۱۴۳۱ هـ / نوفمبر  
۲۰۱۰ م
۱. السيد سابق، فقه السنة، ط. ۱، ج. ۲، القاهرة،  
الفتح للإعلام العربی، ۱۹۹۳ م ص ۳۰۷ .
  ۲. نصر محمد عارف، الوقف واستدامة الفعل  
الحضاری، مجلة اوقاف، العدد ۱۵، السنة  
الثامنة، نوفمبر ۲۰۰۸، تصدرها الامانه العامة  
للاوقاف بدولة الكويت، ص ۲۵.
  ۳. منذر قحف، الوقف الاسلامی : تط  
وره، ادارته، تنمیته، دمشق، دار الفكر  
دمشق، ۲۰۰۰، ص ۷۰؛ احمد بن یحیی  
الونشیرسی، المعیار المعرب والجامع  
المغرب عن فتاوى وعلماء افريقيه  
والاندلس والمغرب، بیروت، دارالغرب  
الاسلامی، ۱۳/۱۹۸۱، ص ۱۳.
  ۴. تقی الدین احمد بن علی المقریزی،  
المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والآثار،  
المعروف بالخطط المقریزیه، بیروت  
دار صادر، د.ت، ج ۲، ص ۴۱۴-۴۱۶.
  ۵. تقی الدین احمد بن علی المقریزی، کتاب  
السلوک لمعرفته دول الملوك، ط ۲، نشر  
محمد مصطفی زیادة، القاهرة، لجنة التألیف  
والترجمة والنشر، ۱۹۷۰، ص ۳۰.
  ۶. عبدالرحمن بن خلدون، المقدمه، ط ۵،  
بیروت، دار الیراند العربی، ۱۹۸۲، ص ۴۳۴.
۷. عبدالله بن عبدالعزیز الزایدی، الاثر الثقافی  
للوقف فی الحضارة الاسلامیه، مجلة  
اوقاف، العدد ۱۱، السنة السادسة،  
نوفمبر ۲۰۰۶، ص ۹۳.
8. Murat Cizakca A History of Phil-  
anthropic Foundations: The Is-  
lamic World from the Seventh  
Century to the Present . Istanbul:  
Bogazici University Press . 2000 .
۹. غانم عبدالله الشاهین، «دورالوقف فی دعم  
القیم الاسلامیه بالمجتمع الكويتی»،  
المؤتمر الدولي القطیعة مع الماضي: أوقاف  
فترة ما بعد الاستعمار وإشکالیات الوقف  
الجديدة فی مجتمعات الشرق الأوسط  
، من تنظیم راندى دیغیلام وفلوریال  
ساناغوستان برعاية برنامج الدراسات  
الشرعیة الاسلامیه فی کلیة الحقوق  
لجامعة هارفارد والمعهد الفرنسى للشرق  
الأوسط، دمشق، ۲۴-۲۶ سبتمبر ۲۰۰۴  
(تحت النشر).
۱۰. معاویة سعیدونى، «من أجل محافظة  
واعیة علی تراثنا العمرانی : قراءة فی  
مفهوم التراث العمرانی»، مجله دراسات  
انسانیه، کلیة العلوم الانسانیه بجامعه  
الجزایر، العدد ۱ صص ۲۳۱-۲۴۷.
۱۱. نوبی محمد حسن، «قیم الوقف والنظرية  
المعماریة- صیاغة معاصرة»، مجلة أوقاف  
، العدد ۸، السنة الخامسة، ما یو ۲۰۰۵  
، تصدرها الأمانة العامة للأوقاف بدولة  
الكویت: ص ص. ۱۳-۴۵.
12. John Ruskin, The Complete

- centes de la réglementation algérienne sur le waqf International Symposium : Breaking with the Past .New Directions for Pious Waqf Foundations in Post –Colonial Middle Eastern Societies , directed by Randi Deguilhem and Floral Sanagustin, with the sponsorship of the Islamic Legal Studies Program , Harvard Law School and Institut Français du Proche – Orient , Damascus , 24–26 september 2004.
20. Faruk Bilici , Les waqfs montaires la fin de l'empire ottoman et au debut de l'époque republicaine en turquie, des caisses de but de solidarité vers un système bancaire modern, in Le waqf dans le monde musulman contemporain, varia Turcica XXVI, Istanbul, pp.51–59.
٢١. غانم عبدالله الشاهين : دور الوقف في دعم القيم الإسلامية بالمجتمع الكويتي، المؤتمر الدولي «القطيعة مع الماضي: أوقاف فترة ما بعد الاستعمار وإشكاليات الوقف الجديدة في مجتمعات الشرق الأوسط»، تنظيم راندي ديغيلام وفلوريال ساناغوستان برعاية برنامج الدراسات الشرعية الإسلامية في كلية الحقوق لجامعة هارفارد والمعهد الفرنسي للشرق الأوسط، دمشق، ٢٤–٢٦ سبتمبر ٢٠٠٤ (تحت
- Works of John Ruskin (ED. Et. Cook & A. Wedderburn) , 39 vols. London , 1903 – 1912.
13. Camillo Sitte, Der städtebau nach Seinen Künstlerischengrundsätzen , wien , Graeser, 1901, Trad. Française par D. Wiczorek lart de batir les villes .Paris , L'equerre, 1980 (Lere edition en allemande en 1889).
١٤. منظمة الأمم المتحدة للتربية والعلوم والثقافة (اليونسكو) ، توصية بشأن المناطق التاريخية ودورها في الحياض المعاصرة ، أقرها المؤتمر العام في دورته التاسعة عشرة، نيروبي، ٢٦ نوفمبر ١٩٧٦.
15. G.Giovannoni Vecchie citta ed edilizia, Torino, UTET, 1931.
16. Leon Battista Alberti, De re aedificatoria, 1485
17. samia chergui, la restauration architecturale de la grande mosquee d alger a travers les fonds d archives de l'époque ottomane ,these de magister, ?cole polytechnique d arechitecture et d urbanisme d alger, 1998 , p.235.
١٨. نوبى محمد حسن، قيم الوقف والنظريه المعمارية، صياغة معاصرة، مجلة أوقاف ، العدد ٨ ، السنة الخامسة، مايو ٢٠٠٥، ص ١٣.
19. , Maaouia Saidouni) . evolutions

27. Randi Deguilhem .Casser le triangle et le reconstituer : la reconfiguration des waqfs en Syrie independante et enjeux sociopolitiques International Symposium: Breaking with the Past: New Directions for Pious Waqf Foundations in Post – Colonial Middle Eastern Societies , directed by Randi Deguilhem and Floral Sanaguatin, with the sponsorship of the Islamic Legal Studies Program , Harvard Law School and Institut Franais du Proche- orient, Damascus , 24-26 september 2004.p.4.
۲۸. مصوبه مشترک وزارتین به شماره ۳۱ مورخ ۲ مارس ۱۹۹۹.
۲۹. نوبی محمد حسن ، همان ۴۱
30. Stphane Yerasimos, Les waqfs dans lmanagement urbain dIstanbul au XIX me sicle, in Le waqf dans le monde musulman contemporain, Varia Turcica XXVI,Istanbul, 1999,p.45
- النشر).ص ۷.
۲۲. احمد محمد السعد ،الوقف ودوره في رعايه الاسره ،مجلة الاوقاف، العدد ۸، السنة الخامسة ، مايو ۲۰۰۵، صص ۱۲۵-۱۶۱.
۲۳. معاوية سعيدوني :الوقف ومساله التنظيم العمرانى بالجزاير : من اجل استخدام الوقف في التهييه العمرانيه المعاصره ،مجلة دراسات انسانيه ،كلية العلوم الانسانيه بجامعة الجزائر ، ۲۰۰۲، عدد خاص بالاوقاف في الجزائر صص ۹۶-۱۱۳.
24. Maaouia Saidouni, Etat modern et waqf en Algrie , colloque international sur Le role des foundations pieuses en Algrie (17-19 sicles); sources, problmatiques et thmatiques, organis par Randi Deguilhem Maison maiter-ranenne des Sciences de l'Homme Aix –en-Provence, France, 13-14-15 juin 2002.
۲۵. معاوية سعيدوني :الوقف ومساله التنظيم العمرانى بالجزاير : من اجل استخدام الوقف في التهييه العمرانيه المعاصره ،مجلة دراسات انسانيه ،كلية العلوم الانسانيه بجامعة الجزائر ، ۲۰۰۲، عدد خاص بالاوقاف في الجزائر ص ۹۹.
۲۶. عبدالله، طارق(۲۰۰۹). دعم الوقف للموازنة العامة للدولة :الدلالات المنهجية والشروط الموضوعية، مجلة أوقاف ،العدد ۱۶، السنة التاسعة مايو ۲۰۰۹، تصدرها الأمانة العامة للاوقاف بدوله الكويت:ص ۱۰۹.